

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد آصف فقیری

۱۴ جنوری ۲۰۲۴



محمد آصف فقیری

## زندگی در محرومیت مردم افغانستان، از مجرای انتخاب بین بد و بدتر

واژه شناسی تحلیل:

محرومیت یعنی این که جامعه بدوی افغانستان در قرون وسطا زیست دارد و انتخاب بین بد و بدتر یعنی مصلحت گرائی در مقابل حاکمیت قانون است، که عدم فهم دین و قوم گرائی محض مبنای آنست.

ورود به مبحث:

ارتباط سیاست خارجی در مقاصد توسعه کشوری و دوستی دوجانبه در مبنای آن و حفظ احترام حاکمیت یکدیگر، و ذهنیت سازی آن در افکار جامعه می باید از مجرای پژوهش ممکن و تاجر دینی افراطی چون قرون وسطا را، به روشن گرای سوق می هد، که یکی از عناصر صلح دایمی در افغانستان را سنگ بنا می شود.

بحران کنونی می تواند این فرصت را در اذهان ایجاد و تولید فکر کند، که جز حاکمیت قانون افغانستان نمی تواند توسط دین داران چون طالب، مجاهدین و قوم گرائی چون دوره جمهورییت اداره شود، البته منبع فیاض قانون عبارت از دین است، که ارزش و وجدان جمعی کشور مصداق آنست، ولی این که دین در درون خرد محض تفکر قابل هضم است، و علوم سیاسی دانشگاهی در تطبیق به نظریه حکمای اسلامی و غیر اسلامی آن را حل کرده و مناسب ترین و معقول ترین راه های حل را، که شخص به منظور دین داری و یا قوم داری تصاحب قدرت ننماید، بل شایسته سالاری ورود به قدرت و این که قدرت مستبد نشود، همانا تفکیک قواء و مبارزات مدنی همیشه جاری در جریانات سیاسی است.

چندین دهه سیاست کشور در عدم حاکمیت قانون، مصلحت بوده چون، چنین تصور سطحی که اگر در ۲۰۱۴ حکومت مصلحتی نپذیرم کشور سوی بحران می رود، مگر حالا در بحران نیست؟ سیاست فقط به حکمت تفکر می تواند توسعه

فراهم کند، اصلاً مصلحت دوام دار، خود بحران آفرین است چون نفع شخصی فرد یا یک گروه در ابتداء قابل بینش می باشد.

برای بیرون رفت از بحران کنونی که به سوی فاجعه سیر دارد، می توان از مجرای حقوق بین الملل اسلامی وارد شد، زیرا خداوند می فرماید: لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْدَهُمْ إِذَا عُهِدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره: ۱۷۷) «نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و یا مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیامبران ایمان آورد... و چون عهد بندند، به عهد خود وفا دارند... و آنان همان پرهیزگارانند.»

حرمت عهد و وجوب وفای آن، که چه به نفع یا ضرر صاحبش باشد را، اسلام به طور اطلاق رعایت کرده است، که در پهلوی اصل اسلامی، حوزه حقوق بین الملل یکی از مهم ترین حوزه های حکومتی است و مهمترین و اولین منبع در حقوق بین الملل معاصر اصل وفا به عهد است، که با اتکاء به ارزش اخلاقی آن، امروزه جایگاه معاهدات در قوانین اساسی کشورها، مصداق بر الزامی بودن آنست، که عدم رعایت آن، مسؤولیت دولتی و فردی بین المللی را دارد، البته حقوق بین الملل عمومی نوین تنها در ایجاد ارتباط بین دولت ها نه، بل شامل سازمان ملی و فراملی و افراد حقیقی و حقوقی نیز است، که در امر توسعه و بیرون رفت از بحران جوامع کشوری به گونه عنصر محرکه سازنده است. دو نقد وارده به معاهده دوحه، که یکی قبل از امضای آن، یعنی دولت دونالد ترامپ به منظور استفاده ایزاری آن در انتخابات امریکا، و دوم این که نحوه به قدرت رسیدن طالبان و سقوط نظام جمهوری در اگست ۲۰۲۱ این است که برگشت به اصول حاکم بر معاهده دوحه، زمینه ساز بیرون رفت از بحران کنونی افغانستان و مصونیت امنیت منطقه و جهان می تواند باشد، در آیت دیگر: أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مانده: ۱) تفسیر: قرآن کریم در وفاء به عهد، به همه معانی که دارد تأکید کرده و رعایت عهد را در همه معانی آن و همه مصادیقی که دارد تأکید شدید فرموده، و کسانی که عهد را می شکنند به شدیدترین بیان مذمت فرموده و به وجهی عنیف و لحنی خشن تهدید نموده، و کسانی را که پایبندی وفا به عهد دارند، مدح و ثنا کرده است، پایبندی به تعهدات، میثاق و یا قراردادها با فطرت انسانی، آموزه های اصیل اسلامی و اصول و موازین حقوق بین المللی معاصر مترادف، سازگار و همسو است، اصل وفا به عهد در اسلام شرط دینداری و یکی از مهم ترین پایه های نظری اسلام گفته شده است و در حقوق بین الملل معاصر عدم پایبندی به تعهدات مسبب درگیری ها و جنگ ها در طول تاریخ بوده، رویکرد اسلام در مبانی حقوق بین الملل و در رویکرد ضمانت اجرای آن می افزاید.

## نتیجه

اصل وفا به عهد در طالبان، نمایانگر سرشت انسانی و دینی این گروه می باشد، که شامل حقوق بنیادین انسان(زن و مرد) و مبدل نشدن افغانستان به لانه امن تروریستی است، که عدم وفا نمودن به معاهده دوحه ۲۰۱۹ کشور را به سوی فاجعه سوق می دهد که سوریه شدن و قدرت نمای های قدرت های جهان در ادامه این چنینی طالبان بعید نیست ، و از طرف دیگر افکار عمومی مؤلفه های مردم سالاری و شایسته سالاری را در مقابل تحجر دینی و قوم گرای چون کیمیا و آب حیات سیاست افغانستان بدانند، و پیش نویس آن را، انسجام یافته و دست یافتنی به مجموعه عمومی سازمان ملل و شورای امنیت در مقابل وضعیت کنونی نشان دهند، هرچند کشورهای منطقه و جهان برای بیرون رفت نسخه های خود را دارند، که زیر بنای توسعه محور نمی تواند جز اندیشه حاکم اعضای آن جامعه باشد.